

سرشت شر

دارل کوئن
بهار رها دوست



۱۱	درباره نویسنده
۱۳	پیش‌گفتار مترجم
۱۵	مقدمه
۳۷	فصل ۱. آیا شرذیلت است؟
۷۱	فصل ۲. شراز دست دادن قدرت عمل است
۱۱۷	فصل ۳. شرگریز از ملال خودشیفتگی است
۱۵۵	فصل ۴. شرسركوب ریاکارانه است
۲۰۵	فصل ۵. شر بددلی خیال بافانه است
۲۵۹	فصل ۶. شراز دست دادن انسانیت است
۳۱۹	فصل ۷. شرشیطان ساختن از خود، دیگران و خداست
۳۵۳	فصل ۸. شربی تقوایی جزم‌اندیشانه است
۴۰۱	فصل ۹. اندیشه‌های پایانی
۴۷۵	کتاب‌نامه
۴۸۵	فهرست نام‌ها

درباره نویسنده

خانم دارل کونن در سال ۱۹۵۴ در یکی از مناطق روستایی ایالت کانزاس آمریکا به دنیا آمد و همان جا بزرگ شد. از کودکی شیفته یادگیری و علاقه مند به مباحث فلسفی بود و سرانجام به دانشگاه شیکاگو راه یافت و تحصیلاتش را تا مقطع دکترا در رشته فلسفه و فلسفه اخلاق در این دانشگاه به پایان رساند. همچنین موفق به گذراندن دو دوره فوق لیسانس در رشته های مدیریت بازرگانی و اقتصاد از دانشگاه های نورث ایسترن و آکسفورد شد و پژوهش های فوق دکترایش را در دانشگاه دوپل شیکاگو به انجام رساند و مدیر گروه اخلاق کسب و کار این دانشگاه شد.

از ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۰ مدیر گروه اخلاق کسب و کار دانشگاه سنت تامس هیوستون تگزاس بود. در حال حاضر، مدرس فلسفه در دانشگاه سنت تامس مینه سوتا، استاد مدعو دانشگاه های دوپل شیکاگو و باپتست هنگ کنگ، عضو فعال انجمن اخلاق کسب و کار، ویراستار مجله الکترونیکی و فصلنامه اخلاق کسب و کار^۱، و مشاور بسیاری از شرکت ها و سازمان ها است که از دانش و تجربه او بهره می برند.

.....
1. *Business Ethics*.

مقدمه

هیچ کس عمداً شرارت نمی‌کند.

افلاطون

فرهنگ‌ها به دوروش با مقوله‌ شر برخورد می‌کنند؛ روش اخلاق‌گرا و روش خردگرا. روش اخلاق‌گرا متداول‌تر است، اما توانایی فهم شر را در ما به وجود نمی‌آورد. ما تا شر را نفهمیم و نشناسیم، نمی‌توانیم از آن خلاص شویم و اسیر در جهل، به اعمالی دست می‌زنیم که بر رنج فردی و جمعی مان می‌افزاید. برعکس، برای کسانی که گوش‌هایی برای شنیدن و چشمانی برای دیدن دارند، روش خردگرا متضمن شناخت شرورهایی از رنج است، و هدف این کتاب فهم ماهیت شر از این منظر است. برای درک دیدگاه خردگرا و فهم تفاوت آن با رویکرد اخلاق‌گرا لازم است نمونه‌هایی از انواع رنج‌ها بیآورم، چون بدون بررسی این نمونه‌ها، داعیه‌های من درباره‌ برتری رویکرد خردگرا بر رویکرد اخلاق‌گرا، گستاخی جزم‌اندیشانه‌ای خواهد بود. البته بنا دارم در این مقدمه تاحدی پیام اصلی‌ام را باز گویم تا خواننده از کم‌وکیف عرصه‌ای که پیمودنش را به او پیشنهاد می‌کنم آگاه شود. همچنین از او می‌خواهم بیان اجمالی‌ام درباره‌ رویکرد اخلاق‌گرا و خردگرا را به دیده‌ اغماض بنگرد.

رذیلت در برابر خودشناسی

اخلاق شر را برابر با رذیلت می‌داند. و رذیلت همان فاسد شدن انتخاب و اراده است. استدلال بعضی از اخلاق‌گرایان (چون ایمانوئل کانت) این است که این